

انقلاب کردن، یا انقلاب ساختن؟! مسئله این است!

انقلاب در نقطه مقابل رفورم، خیزشی خودجوش و درون جوش و فراگیر نزد ملتی است که فصل مشترکشان رنجوری ناشی از بدجوری نظم موجود بمنظور تحصیل نظم مطلوبشان است.

تباین انقلاب و رفورم را می توان در دنیای شیمی با تباین عمل اکسیداسیون و موتاسیون شبیه سازی کرد. بر این منوال منطق انقلاب به موتاسیونی می ماند که پدیده را از حیث خلعت و صفات بشکلی درون جوش دچار استحاله و تغییر محتوایی و دفعی می کند. برخلاف فرآیند اکسیداسیون که با «حفظ ساختار مولکولی» سوژه محکوم به تغییر می گردد.

انقلاب اسلامی ایران نیز با لحاظ تمام استانداردهای ریخت شناسانه و معرفت شناسانه تکانشی ساختارشکنانه بود که نطفه اش در رحیم «ناکارآمدی رژیم پهلوی» منعقد و بدون نیاز به سزارین بصورت طبعی و بومی رشد کرد و بموقع نیز بصورت طبعی متولد شد.

آنی که در حال حاضر با حمایت و مدیریت آمریکا از طریق تحریم های اقتصادی و لجستیک عوامل میدانی و ایرانی اش در داخل و خارج از کشور سازماندهی می شود هر چه که هست انقلاب نیست و کوششی را می ماند تا از طریق تحمیل بحران معیشت و نشان دادن شهروند در زمین استیصال و فلاکت بتوانند جمهوری اسلامی را از درون مبتلا به آنتروپی کند.

نقشه واشنگتن برای تحقق فروپاشی در دستور کارش نمونه شبیه سازی شده از «تراژدی کربلا» است.

واشنگتن بجای انقلاب کردن در ایران بدنبال انقلاب ساختن در ایران است و چون می داند «انقلاب» ساختنی و «بفرموده» نیست لاجرم می کوشد با لقاح مصنوعی شهروند اسیر معیشت شده در ایران را «کوفی سازی» کرده تا در بهترین بزنگاه با توسل به سنت «شمرانگی» جمهوری اسلامی را فروپاشی نموده و بدین طریق نوزاد ناقص الخلقه اش را در ساختار سیاسی ایران، سزارین کند.

بر این منوال اپوزیسیون در ایران اسم مستعار روند کوفی سازی از شهروندان است تا از این طریق بتوانند شهروندان را به صرافت خستگی از مقاومت و پذیرش زعامت آمریکا دلالت کنند.

تحمیل «بحران معیشت» یگانه کارت قدرتمند آمریکا در این «انقلاب ساختن» نیست و برگ برنده دوم آمریکائی ها التفات ایشان به کارآمدی

«سنت شمرانگی» در مصاف مزبور است.

شمرانگی تالی فاسد نفوذ امیرانی در اندازه «شمر ابن ذی الجوشن» به بدنه حکومت «علی ابن ابیطالب» در کوفه بود که سالها بعد توانست به اعتبار کاریر سیاسی خود با به شهادت رساندن «حسین ابن علی» انقلاب رسول الله در مکه را بعد از هفتاد سال با موفقیت در کربلا ذبح کند.

تراژدی کربلا فرجام محتوم نفوذ شمرها در حلقه حکومت «علی ابن ابیطالب» بود که این فرصت را فراهم کرد تا هفتاد سال بعد یزیدیان را با نفوذیان علیه انقلاب رسول الله به هم افزائی برسانند. امری که حسب طواهر بار دیگر و این بار در دستور کار کاخ سفید و اپوزیسیون کوفی و شمران نفوذی در جمهوری اسلامی، قرار گرفته!